

دلبستگی و پزشکی روان - تنی :

مشارکتهای تحولی در قلمروهای تنیدگی و بیماری (قسمت دوم)

Attachment and Psychosomatic Medicine :

Developmental Contributions to Stress and Disease (Part Two)

Maunder, R. G., and Hunter, J. J. (2001). *Psychosomatic Medicine*, 63, 556-567

Susan Rahimzadeh
Islamic Azad University
South Tehran Branch

سوسن رحیمزاده
دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب

مقاله‌ای که به نکات کلی آن در شماره پیشین پرداخته شد، بر مبنای مرور مجموعه پژوهشهایی شکل گرفته است که از سال ۱۹۶۶ تا ۲۰۰۰ در MEDLINE و PsychInfo به زبان انگلیسی فهرست شده و از واژه‌های کلیدی «دلبستگی» و «روابط موضوعی» سود جست‌اند. همچنین مقاله‌های مروری که در خلال این سالها به طور مستقیم و بدون توجه انحصاری به آسیب‌شناسی روانی، به بررسی ارتباط بین بیماریهای جسمانی و دلبستگی پرداخته‌اند در شمار منابع مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در این مقاله، پس از یک بررسی مروری، به منظور دستیابی به شواهد موافق و مخالف در مورد وجود همخوانی بین دلبستگی نایمن با بیماری، به مکانیزمهایی پرداخته شده که بین دلبستگی با بیماری یک پیوند علی برقرار کرده‌اند و به بررسی شواهد مرتبط با تأیید یا تکذیب فرضیه‌های این الگو پرداخته‌اند.

در این قسمت به انواع روابط بین دلبستگی و سلامت که از ادبیات پژوهشی استخراج شده‌اند، پرداخته می‌شود و الگوی ارائه شده توسط مؤلفان با هدف تبیین این روابط، در شماره بعد در معرض قضاوت خوانندگان قرار خواهد گرفت.

در ادبیات پژوهشی، وجود یک همخوانی کلی بین دلبستگی نایمن با بیماری از چهار زاویه بررسی شده است :

- همخوانی بین دلبستگی با بیماری در خلال کودکی
- همخوانی بین سبک دلبستگی نایمن با بیماریها در بزرگسالی،
- پیوند بین نشانه‌های دلبستگی نایمن در کودکی،
- و همخوانی دلبستگی ایمن با سلامت بزرگسال.

در سطوری که در پی می‌آیند به بررسی نتایج هر گروه از پژوهشها به گونه‌ای کلی خواهیم پرداخت :

• آیا بین دلبستگی نایمن در خلال کودکی با بیماریهای دوره کودکی همخوانی وجود دارد؟

مشاهده‌های بالینی مبنی بر این که تجربه اضطراب در والدین کودکان بیمار می‌تواند موانعی را در راه ایفای نقش

والدینی به وجود آورد، موجب شده تا میزان دلبستگی ایمن در گروههای تشخیصی متعدد بررسی شود. نتایج حاصل از این پژوهشها نشان داده‌اند که از یکسو، هیچ‌گونه دلبستگی نایمن افراطی در کودکان پیش دبستانی واجد تأخیر تحولی یا آنهایی که به صورت زودرس یا همراه با شکافهای لبی و سقف دهان به دنیا آمده‌اند در مقایسه با گروههای کنترل سالم یا هنجارهای کلی جامعه وجود ندارد و از سوی دیگر، این نکته را برجسته کرده‌اند که فراوانی دلبستگی نایمن در نوپایان و کودکان پیش دبستانی که به برخی از بیماریهای مزمن مانند تورم گوش میانی، صرع یا نفس تنگی مبتلا هستند به مراتب بیش از گروه بهنجار است.

مقایسه کودکان مبتلا به بیماریهای قلبی مادرزادی با گروههای کنترل سالم نیز مبین وجود نایمی اجتنابی بیشتر در بیماران (۳۷٪) نسبت به گروههای کنترل (۹٪) بوده است. نتیجه جالب برگرفته از این پژوهشها این است که وخامت کنشی بیماری قلبی در کودکان ایمن و نایمن به هنگام تشخیص متفاوت نبوده اما پس از یک پیگیری یکساله، میزان بهبود کودکان نایمن به گونه‌ای معنادار کمتر از کودکان ایمن بوده است.

• آیا بین دلبستگی نایمن در بزرگسال با بیماری جسمانی همخوانی وجود دارد؟

با استفاده از مصاحبه دلبستگی بزرگسال (Adult Attachment Interviews) توانسته‌اند به طبقه‌بندی الگوی دلبستگی بزرگسالان دست یابند و ابعاد دلبستگی ایمن را نیز با تعدادی از ابزار خودگزارش‌دهی بسنجند. با آنکه ارتباط دلبستگی بزرگسال در رابطه با روان‌شناسی مرضی به صورت گسترده‌ای بررسی شده اما تعداد پژوهشها در قلمرو ارتباط بین دلبستگی بزرگسال و بیماری جسمانی به مراتب کمتر است. مع‌هذا پژوهشهای مختلف توانسته‌اند با سنجش میزان دلبستگی اجتنابی در مبتلایان به ورم روده به وسیله «پرسشنامه دلبستگی متقابل» (Reciprocal Attachment Questionnaire) نشان دهند که میزان این دلبستگی در گروههایی از بیماران به گونه‌ای معنادار بیش از گروه بهنجار است. حس انسجام (Sense of Coherence) سازه‌ای است که آمادگی روان‌شناختی برای پاسخدهی به تنیدگی زندگی را توصیف می‌کند و نشان‌دهنده حس اعتماد فرد به خویشتن در درک و مدیریت محرکهای درونی و برونی ناشی از محیط و در نتیجه، مقابله مؤثر با تنیدگی‌هاست. توصیف حس انسجام، با انتظار پایان ایمنی‌بخش در الگوی چهار مقوله‌ای دلبستگی مشابهت زیادی دارد. پژوهشگران به همبستگی منفی بین حس انسجام با میزان خطر ابتلای به بیماریهای عروقی دست یافته‌اند.

• آیا عوامل پرخطر در ایجاد دلبستگی نایمن دوران کودکی با بیماری بزرگسال همراهند؟

بهترین شیوه آزمون تأثیر دلبستگی نایمن بر بیماری بزرگسال، تعیین دلبستگی نایمن در کودکان و پیگیری آنها تا زمان بزرگسالی است. با آنکه گروههای متعددی از کودکان مورد مشاهده در آزمون «موقعیت ناآشنا»، اکنون در سنین بزرگسالی هستند و امکان تعیین وضعیت دلبستگی آنها وجود دارد، چنین پژوهشهایی تاکنون تحقق نیافته‌اند. اما پژوهشهای حیوانی و برخی از بررسیهای غیرمستقیم انسانی می‌توانند پاسخ به این پرسش را در اختیار قرار دهند.

در بررسیهای حیوانی، جدایی زودرس از مادر، مشابه تجربی وضعیتی است که در ایجاد دلبستگی نایمن کودک انسانی مشارکت دارد. در نژادی از موشها که از لحاظ ژنتیکی واجد آمادگی ابتلا به زخمهای معده‌ای - روده‌ای حاصل از تنیدگی

هستند، قطع زودرس شیر مادر، بروز این اختلالاتها به هنگام گذار به بلوغ را به گونه‌ای معنادار افزایش می‌دهد. یک راهبرد مفید برای بررسی این ارتباط در انسانها، توجه به رویدادهای دوران کودکی است که معمولاً طلیعه دلبستگی ناایمن هستند. مشاهدات بالینی حکایت از آن دارند که تجربه‌های ضربه‌آمیز، سهل‌انگاری و بی‌توجهی، از دست دادن والدین یا جدایی از آنها، به افزایش خطر بروز دلبستگی ناایمن منجر می‌شوند. بنابراین، در حالی که دلبستگی ایمن پیامد مجموعه پیچیده تعاملهای کودک با مراقبان و محیط است و همه کودکان ضربه‌دیده نیز به دلبستگی ناایمن دچار نمی‌شوند، پس باید ضربه را به منزله بهترین آزمون میزان انعطاف‌پذیری نظام کودک-مراقب دانست. مع‌هذا بررسی طلیعه‌های بالقوه دلبستگی ناایمن واجد اهمیت است چون از یکسو، رویدادهای ضربه‌آمیز و مرگ والدین ممکن است بعدها از گزارشهای فاعلی درباره کیفیت دلبستگی والد-کودک، معتبرتر باشند و از سوی دیگر، می‌توانند امکان استنباط علی درباره دلبستگی را به هنگام نبود بررسیهای آینده‌نگر فراهم سازد.

پژوهشهای گسترده در گروههای بیماران توانسته‌اند شواهد قدرتمندی را در مورد همخوانی بین طلیعه‌های دلبستگی ناایمن با بیماریهای دوره بزرگسالی فراهم کنند. سوء استفاده جنسی، خشونت علیه مادر، زندگی در یک خانواده معتاد و بالاخره انواع بیماریهای روانی یا زندانی شدن والدین، از مهمترین عوامل پر خطر جسمانی و روان‌شناختی قلمداد شده‌اند و بیماریهایی مانند ایست قلبی، سرطان، بیماریهای ریوی، بیماریهای کبدی را در پی داشته‌اند. پژوهشگران توانسته‌اند در ۹۵۰۸ بیمار، به یک رابطه منظم بین تعداد عوامل پر خطر خانوادگی در خلال کودکی و ابتلا به انواع بیماریها در بزرگسالی دست یابند.

• آیا دلبستگی ایمن با سلامت بزرگسال مرتبط است؟

اگر دلبستگی ناایمن با بیماری همراه است پس دلبستگی ایمن نیز باید با سلامت همخوانی داشته باشد. وجود این همخوانی را می‌توان از یک پژوهش در مورد موفقیت گروهی از مردان دانشگاهی استنباط کرد.

در شروع این پژوهش، دلبستگی بزرگسال به گونه‌ای دقیق ارزشیابی نشده بود چون این مفهوم در سال ۱۹۴۲ هنوز از وضوح کافی برخوردار نبود. مع‌هذا، شیوه سنجش تواناییهای دوره کودکی به گونه‌ای بود که در مجموع وجود دلبستگی ایمن به منزله پیش‌بینی کننده سلامت جسمانی در خلال کودکی را القا می‌کرد.

افزون بر این، نشان داده شد که، میزان انسجام خانوادگی قبل از ۲۰ سالگی و روابط توأم با اعتماد، استقلال و ابتکار نیز پیش‌بینی کننده سلامت مردان در سن پنجاه سالگی بودند. همچنین براساس نمودارهای شیوه‌های دفاعی در سنین ۲۰ تا ۴۷ سالگی سلامت جسمانی در ۶۰ سالگی پیش‌بینی شد.

در شماره آینده، به ارائه الگویی خواهیم پرداخت که نویسندگان این مقاله مروری درباره چگونگی مشارکت دلبستگی ناایمن در بروز بیماریها پیشنهاد کرده‌اند.